



سیل در نوار شمالی استان تهران  
 حداقل ۲۵ کشته و ده‌ها مفقودی داشته است

## هشدار باش سیل در تمام کشور

- مردم تا ۱۰ مرداد از نزدیک شدن به بستر و حاشیه رودخانه‌ها پرهیز کنند
- دستور رئیس جمهور به همه وزرا و استانداران برای کمک به مناطق سیلزده
- خانواده فوتی‌های سیل تهران به پزشکی قانونی مراجعه کنند
- وزیر کشور هشدار باش سیل در سراسر کشور صادر کرد
- ۱۸۰۰ آسیب‌دیده در سیل سیستان و بلوچستان

گزارش «ایران» از سیل‌های تابستانی در تهران که تلفات و خسارات زیادی بر جای می‌گذارد

# سیل غافلگیری

غلبه مدیریت بحران بر مدیریت پیشگیری

صفحه‌های ۱۶ و ۲۲ را بخوانید

عکس: یاسین پلیسی

کافه متروک صد ساله پاچنار با همت زنان محله بازسازی و افتتاح شد

## زنان فرحزاد

ترانه پنی یعقوب

گزارش نویسنده

نان محلی، غذای خانگی در یک کافه صد ساله با چنارهای سر به فلک کشیده، زنان محله فرحزاد حالا به این کافه صد ساله حس و حال تازه‌ای بخشیده‌اند. برده‌های نسکافه‌ای کافه جمع شده و آفتاب تابستان مهربان روی میزها سایه انداخته است. نسیم خنکی صورت‌م را نوازش می‌دهد. حوض آبی رنگ و فواره‌هایش زیر آفتاب می‌درخشد. کافه پاچنار هم مثل دیگر کافه‌ها پیر از میز و صندلی است اما بجز اینها در هر گوشه کافه محصولات زنان محله فرحزاد، اداره‌کنندگان اصلی این کافه را می‌بینی، نان، سبزی خشک، آلبالو خشک و عروسک‌های کاموایی...

بوی کباب خانگی فضا را آکنده، دو مشتری کافه کباب و توت فرنگی با جای سفارش داده‌اند و از طعم و مزه‌اش تعریف می‌کنند. شش‌دهم کوفته و کنتل‌های خانگی کافه پاچنار هم حسابی معروف است. اما داستان این کافه صد ساله چیست؟ همان قهوه‌خانه محله فرحزاد که روزی پاتوق مردان محله بود و زمانی که قرار شد زنان سرپرست خانوار و دیگر زنان محله آن را اداره کنند، ساکنان محله را متعجب کرد، گویی تصویر مردانی که در این کافه چای می‌نوشیدند و قلبان می‌کشیدند، هنوز توی ذهن ساکنان محله مانده بود. کافه کهنسال بیش از بیست سال متروک و رها و پیر از زباله شده بود و کسی فکر نمی‌کرد با آن چنارهای قدیمی دوباره روزی پابرجا بایستد تا اینکه زنان محله به کمک چند نهاد تصمیم گرفتند، احیایش کنند. آن طوره که زنان محله تعریف می‌کنند برای راه‌اندازی کافه فرخاوان دادند، مردان محل بر خلاف زنان از فرخاوان استقبال نکردند اما تقریباً حدود ۲۰۰ زن داوطلب شدند. کلاس‌های آموزشی در شورای محله برگزار شد و با خانم‌ها مصاحبه شد و در نهایت ۱۵ نفر انتخاب شدند و دوره‌های توانمندسازی را گذراندند. همه می‌دانستند که ساختمان برای آقای فرحزادی و وقف است. از او خواستند بگذارند کافه را دوباره احیا کنند به نظر او هم مثل دیگر اهالی محل این مسأله چندان آسان نبود؛ احیای یک کافه مخروبه و رها شده و پیر از زباله، اما داوطلبان تنهاشان گذاشتند طوری که اهالی محل هم متعجب بودند که چطور این همه مهندس و آدم

تحصیل‌کرده حاضرند زباله جمع کنند، اما مردم در احیای کافه یک لحظه هم تنهاشان نگذاشتند. از بین خانم‌ها یک نفر متخصص تولید مواد لبنی بود، دیگری در بخت غذاهای محلی و شیرینی‌های خانگی دست داشت و کسی هم در تولید صنایع دستی تبحر داشت این توانایی‌ها را با صندوق کارآفرینی در میان گذاشتند و آنها هم پذیرفتند و امی در اختیارشان بگذارند البته کمک‌های محلی هم بود. این طور شد که کافه پاچنار راه افتاد. دقیقاً یک سال از افتتاح این کافه می‌گذرد. هرچند شروع کار با گرانی و ویروس کرونا همراه شد اما به هر حال چرخ کافه پاچنار چرخید. یک آشپزخانه کوچک هم با کمک خیران در حوالی کافه راه‌اندازی شد که بسیاری از محصولات کافه در آنجا تهیه و به کافه آورده می‌شود مثل شیر و پنیر محلی و برخی محصولات دیگر که در کافه تهیه و ارائه می‌شود. آنها این آشپزخانه را کارگاه پشتیبان کافه پاچنار می‌دانند. اوایل در محله جلسه می‌گذاشتند تا همه اهالی محل کافه را بپذیرند اوایل خیلی‌ها با تعجب کافه‌ای را می‌دیدند که روزی پاتوق مردان بود و حالا توسط زنان محله اداره می‌شود. در نهایت توافق جمعی بین اهالی محله ایجاد شد و حالا گاهی آنها هم برای خوردن غذاهای خوشمزه‌اش به این کافه سری می‌زنند. در محله فرحزاد اقوام مختلفی زندگی می‌کنند که اکنون جمعی از این اقوام و البته اهالی اصلی منطقه را می‌توانی در کافه پاچنار ببینی.

خانم نوروزی آذری است: «دو سه سال پیش که می‌خواستیم این کار را شروع کنیم می‌ترسیدم، دوست داشتم درآمد داشته باشم و کمک خرج خانواده باشم اما از ورود به بازار کار هم خیلی می‌ترسیدم. به مشاغل خانگی هم چندان آشنا نبودم. پنه و عروسک می‌دوختم اما در این کار پیشرفت نکردم. در جلسات توانمندسازی شرکت کردم و آنجا گفتم می‌خواهم محصولات لبنی درست کنم. همه گفتند کار سختی است، اما شد. الان ماست، کره و ماست چکیده‌ای که در کافه ارائه می‌شود، من درست می‌کنم؛ ارگانیک و سالم. کار کردن در اینجا خیلی حس و حال خوبی به من داد با دوستان کنار هم می‌نشینم و حرف می‌زنیم و دیگر تنها نیستیم؛ هم برایمان کمک مالی است و هم روحی. اوایل همسرم خیلی دوست نداشت، بیرون



ترکم‌ها، قوچانی‌ها و افغان‌ها هم ساکن این محله هستند. یکی از وظایف ما این است که با کارمان تعارضات فرهنگی را کاهش دهیم هرچند این موضوع در مرحله‌ای که ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد کار سختی است. محدودیت اشتغال هم از دیگر مشکلات این محله است. بخش زیادی از مردمی که اینجا زندگی می‌کنند کارگران فصلی هستند یا کسانی که اصلاً کار ندارند. طبق برآوردهای ما بیش از دو سوم جمعیت اینجا بیکار هستند که این آمار را به وزارت کشور هم ارائه داده‌ایم. بحث دیگر محیط‌زیست منطقه فرحزاد است. تهران شهری است که بخش مهمی از فضای سبزش مورد تهاجم قرار گرفته. آنقدر آپارتمان ساخته شده که جلوی باد را گرفته ولی فرحزاد هنوز یکی از جاهایی است که دست نخورده مانده و می‌تواند به انتقال هوا کمک کند. فرحزاد دره است برای همین کسی اینجا اجازه ساخت و ساز ندارد. البته همین موضوع هم برای مردم مسأله ساز شده. زمین‌ها هم اغلب بدون سند هستند و همین موضوع مشکلات فرحزاد را پیچیده‌تر کرده است. «با همه این مشکلات دفتر توسعه محله از ما خواست نقشه فرهنگ‌ها هم کم نیست. فرحزادی‌ها خود را صاحب اینجا می‌دانند و می‌گویند: «۳۰۰ سال اینجا زندگی کرده‌اند اما در کنار فرحزادی‌ها مهاجران آذربایجانی، کردستانی، قرار گرفته و پلکانی است. خانه‌ها هم بیشترشان فرسوده، یعنی مشکلات محله یکی دوتا نیست. کوچه‌ها تنگ و باریک است و اگر مشکلی مثل آتش‌سوزی رخ دهد، ماشین‌های امداد نمی‌توانند تردد کنند. امکانات حمل‌ونقل عمومی هم در

این منطقه وجود ندارد و تعارضات خرد فرهنگ‌ها هم کم نیست. فرحزادی‌ها خود را صاحب اینجا می‌دانند و می‌گویند: «۳۰۰ سال اینجا زندگی کرده‌اند اما در کنار فرحزادی‌ها مهاجران آذربایجانی، کردستانی، قرار گرفته و پلکانی است. خانه‌ها هم بیشترشان فرسوده، یعنی مشکلات محله یکی دوتا نیست. کوچه‌ها تنگ و باریک است و اگر مشکلی مثل آتش‌سوزی رخ دهد، ماشین‌های امداد نمی‌توانند تردد کنند. امکانات حمل‌ونقل عمومی هم در



این منطقه وجود ندارد و تعارضات خرد فرهنگ‌ها هم کم نیست. فرحزادی‌ها خود را صاحب اینجا می‌دانند و می‌گویند: «۳۰۰ سال اینجا زندگی کرده‌اند اما در کنار فرحزادی‌ها مهاجران آذربایجانی، کردستانی، قرار گرفته و پلکانی است. خانه‌ها هم بیشترشان فرسوده، یعنی مشکلات محله یکی دوتا نیست. کوچه‌ها تنگ و باریک است و اگر مشکلی مثل آتش‌سوزی رخ دهد، ماشین‌های امداد نمی‌توانند تردد کنند. امکانات حمل‌ونقل عمومی هم در

رها معطران/ایران